

[36]

نویسنده : جون کولی « Juan Cole » .

منبع و تاریخ نشر : کمان دریم «2023-03-10» .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

بیست سال پیش ما ولادیمیر پوتین بودیم

Twenty years ago we were Vladimir Putin

با تأمل در تصمیم کابوس‌آمیز ایالات متحده برای حمله به عراق در بحبوحه جنایات روسیه در اوکراین، به نظر می‌رسد که ما نیز از الگوی خود و اقتدار اخلاقی که از دست داده‌ایم، حافظه خود را نیز از دست داده‌ایم.

Reflecting on the nightmarish U.S. decision to invade Iraq amid Russian crimes in Ukraine, it seems that we have also lost all memory of the example we set and the moral authority we lost.



نظامی به رهبری ایالات متحده روبرو شوند « از اسکات نلسون/گتی ایماژ » مهندسان یازدهم ارتش ایالات متحده متصل به پیاده نظام 7-3 در 18 مارس 2003 پیش از حمله نظامی احتمالی در نزدیکی مرز کویت و عراق به سمت موقعیت حرکت کردند. در یک سخنرانی تلویزیونی در 17 مارس 2003، جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به صدام حسین و پسرانش، رئیس‌جمهور عراق، 48 ساعت مهلت داد تا کشور را ترک کنند یا بایک رویارویی مواجهه

خواهد شد

چه کسی دیگر به یا دمی آورد که در سال (2003) ما **ولادیمیر پوتین** بودیم؟ امروز، سایت‌ها خبری کا بلی و رسانه‌های اجتماعی ما مملو از محکومیت‌های رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه به دلیل تهاجم غیرقانونی و وحشیانه او به اوکراین است. هنگامی که **آنتونی بلینکن**، وزیر امور خارجه در 2 مارس در دهلی نو با وزیر امور خارجه روسیه، **سرگئی لاوروف**، به طور خلاصه ملاقات کرد، او بدون عبارات نامشخص به او گفت: «به این جنگ تجا و زکارانه پایان دهید»

«اما خود **پوتین** حافظه طولانی تری دارد. او در سخنانی که «عملیات ویژه» خود را آغاز کرد، به صراحت آمریکا را به «تهاجم بدون هیچ دلیل قانونی به عراق» محکوم کرد. سپس افزود: «ما شاهد دروغ‌هایی بودیم که در بالاترین سطح دولتی گفته می‌شد و از تریبون عالی سازمان ملل مطرح می‌شد. در نتیجه، ما شاهد تلفات عظیم در زندگی انسانی، خسارت، ویرانی و افزایش عظیم تروریسم هستیم.»

«بلی، درست است، در بیستمین سالگرد تهاجم به عراق، این جنگ مدت زیادی است که اینجا فراموش شده است. امروز هیچ کس در **دولت بایدن** اهمیتی نمی‌دهد که اعتبار آمریکا به عنوان ستون نظم بین‌المللی در جنوب جهانی را از بین برد و به **پوتین** پوششی برای جنایات خود داد. بنابراین، یک لحظه بنشین و اجازه بده تو را به یک سفر کوچک به دنیای گمشده آمریکایی ببرم.»

ماموریت (نا) انجام شد

در 1 می 2003، پرزیدنت **جورج دبلیو بوش** با تجهیزات تاپ‌گان، روی صندلی کمک خلبان یا پیلوت یک جت جنگنده نشست و به ناو (کشتی) هواپیمابر **یواس اس آبراهام لینکلن**، نا و هواپیمابر که در آن زمان در نزدیکی سواحل **سن دیگو** مستقر بود، پرواز کرد. هیچ منطقی به جز تصاویری که تیم تبلیغاتی او امیدوار بود تولید کند، این سفر گران‌قیمت را هدایت نکرد.

سپس، از روی عرشه کشتی زیر بنری که روی آن نوشته شده بود «ماموریت انجام شد»، یک سخنرانی تلویزیونی درباره تهاجم به عراق که کمتر از دو ماه قبل دستور داده بود ایراد کرد. **بوش** با افتخار اعلام کرد که «عملیات رزمی بزرگ در عراق به پایان رسیده است. در نبرد عراق، آمریکا و متحدان ما پیروز شدند.» البته، هیچ یک از این ادعاها تا حدودی درست نیست. در واقع، حدود 2500 نیروی آمریکایی تا به امروز در عراق مستقر هستند و به مبارزه با رهبران دولت سابق **حزب بعث** آن کشور که اکنون به چریک‌های بنیادگرا تبدیل شده‌اند، کمک می‌کنند. و به خاطر داشته باشید که این نیروها در آنجا باقی می‌مانند، حتی اگر پارلمان عراق از آنها خواسته است که آنجا را ترک کنند.

بقیه **سخنان بوش** بیش از آنچه که به دست آمده است سزاوار بدنامی است. رئیس‌جمهور اعلام کرد: «امروز ما قدرت بیشتری برای آزادی یک ملت با شکستن یک رژیم خطرناک و متجاوز داریم یا تاکتیک‌های جدید و سلاح‌های دقیق، می‌توانیم بدون اعمال خشونت علیه غیرنظامیان به اهداف نظامی خود برسیم.» رویا پردازی کنید، اما البته **بوش** آن سخنرانی «ماموریت انجام شد» را برای سفید کردن جنگ تجاوزکارانه به عنوان ابزار معمول سیاست‌های ریاست‌جمهوری ایراد کرد. توصیف کشور آشفتنه و جهان چهارم عراق در آن زمان به عنوان «خطرناک» و «تهاجمی» به همان

اندازه که **پوتین** از اوکراین به رهبری ولودومیر زلنکسی به عنوان یک دولت "نازی" طبقه بندی کرد، مبهم بود.

اما توجه داشته باشید که یک عبارت از **فریاد نا پلونی بوش** در مورد گسترش اجباری «دموکراسی» و «آزادی» با ابزار جدید «جنگ دقیق» گم شده بود و آن البته «قانون بین الملل» بود. در محاکمات **نورنبرگ** پس از جنگ جهانی دوم، دادگاه نظامی بین المللی مشاهده کرده بود، «

جنگ اساساً یک چیز شیطانی است. پیامدهای آن تنها به کشورهای متخاصم محدود نمی شود، بلکه کل جهان را تحت تأثیر قرار می دهد. بنا براین، آغاز جنگ تجاوزکارانه، نه تنها یک جنایت بین المللی است. این بزرگترین جنایت بین المللی است که تنها با سایر جنایات جنگی تفاوت دارد زیرا در درون خود شر انباشته شده کل را در خود دارد.

و البته منشور سازمان ملل تهاجم نظامی را ممنوع کرده است. جنگ را فقط برای دفاع از خود یا در صورت مجوز شورای امنیت مجاز می داند.

اما **بوش** روی عرشه آن ناو هواپیمابر این اعصاب را داشت که بگوید: «وقتی غیرنظامیان عراقی به چهره سربازان و زنان ما نگاه کردند، قدرت، مهربانی و حسن نیت را دیدند».

«در واقع، عراقی ها بخش قابل توجهی از قرن بیستم را صرف تلاش برای بیرون راندن استعمارگران بریتانیایی از کشور خود کرده بودند و جای تعجب نداشت که در سال 2003، بسیاری از آنها چنین فضیلت هایی را در نیروهایی که به سرزمین شان حمله کرده بودند ندیدند. پرسنل نظامی ایالات متحده که در آن زمان یا بعداً با آنها صحبت کردم، اغلب از نگاه های عبوس و خشمگین عراقی هایی که با آنها روبرو می شدند صحبت می کردند. یکی از آشنا یا ن من، ستوان کیلان **جونز هافمن**، همان تابستان برای من پیامی فرستاد که در آن توصیف کرد که در پشت یک ترابری نیرو با دیگر نیروهای آمریکایی در جاده ای در جنوب عراق نشسته و کامیونی از عراقی های مسلح از کنار او عبور کرده است. یکی از آنها با ترش چشمی به آنها نگاه کرد و تفنگش را تهدیدآمیز بلند کرد. **کیلان گفت** که او فقط به تفنگ M1 خود ضربه زد و تهدید را پاسخ داد».

او که یک سرباز ذخیره (احطیات) نیروی دریایی و متخصص خاورمیانه بود، پس از اتمام دوره دکترا، برای یک شغل آکادمیک پس از سربازی برنامه ریزی کرد. در تاریخ **کیلان** با بصیرت و ساده روی، سازنده اشعار نفیس هایکو، قول داد همکار هیجان انگیزی برای من باشد. او به من گفت که از بحرین فرستاده شده است تا به نیروهای نظامی در شهر **حله** در جنوب عراق گزارش دهد. در غروب 21 اوت 2003، در حالی که داشتم CNN را تماشا می کردم، در طومار پاپی بین صفحه متوجه شدم که یک آمریکایی در **حله** به ضرب گلوله کشته شده است و این باعث ناراحتی من شد. روز بعد فهمیدم که **کیلان** واقعاً قربانی شده است که توسط یک جوان عراقی در حالی که در یک جیب در یک چهارراه منتظر بود کشته شده است. این یک آرنج به روده من بود که اشکم را رها کرد - و هنوز هم گفتن داستان دردناک است.

او در واقع یکی از بیش از 7000 پرسنل نظامی ایالات متحده بود که به همراه 8000 پیمانکار پنتاگون در عراق، افغانستان یا سایر مناطق "جنگ علیه ترور" جان خود را از دست دادند. و این حتی به بیش از 30000 کهنه سربازان درگیری ها که بعداً خودکشی کردند، اشاره نمی کند. یکی از

آنها در کلاس من در مورد خاورمیا نه مدرن در دانشگاه میشیگان شرکت کرد. او که به خوبی آگاه و خوش اخلاق بود، با توجه به هر شیاطینی که تجربیاتش در آنجا بر او سنگینی کرده بود، نتوانست تا پایان ترم دوام بیاورد. در واقع، برای کسانی که هنوز در مورد عراق فکر می کنند، ضربات شکم آن جنگ هرگز متوقف نمی شود.

و بیش از 53000 پرسنل نظامی آمریکایی در عراق و افغانستان را فراموش نکنید که در جنگ به حدی مجروح شدند که در بیمارستان بستری شدند. طبق یک مطالعه مؤسسه ملی بهداشت، حدود 10 درصد از آنها زخم هایی در مقیاس شدت جراحی 9 یا بیشتر داشتند که از وحشتی که شامل آسیب مغزی ضربه ای، زخم های باز، لخته شدن خون مزمن و سوختگی بود رنج می بردند.

گزمه ها و یا پاسداری از جسد ها

و همه اینها در مقایسه با کاری که ارتش ایالات متحده با عراقی ها کرد، هیچ بود.

جای تعجب نیست که **پرزیدنت بوش**، **دیک چنی**، معاون رئیس جمهور، **دونا لد رامسفلد**، وزیر دفاع، **پل ولفوویتز**، معاون وزیر دفاع، و دیگر معماران جنگ و یکی از بزرگترین شکست های سیاست خارجی آمریکا در (246 سال حیاتش می توانند از دروغی با چهره کچل «بی لطف» که آنها نوع جدیدی از جنگ را اختراع کرده اند که کشته یا تلفات قابل توجهی برای غیرنظامیان نداشته است. توجه داشته باشید، آنها همچنین به مجرمان سریالی در مورد روابط ناموجود **صدام حسین** دیکتاتور عراق با گروه تروریستی القاعده و برنامه های ظاهراً فعال تسلیحات بیولوژیکی و هسته ای می مانند و یا شمرده میشوند.

برخلاف اظهارات نادرست **پرزیدنت بوش**، تعداد کشته شدگان در عراق تنها با ادامه درگیری ها افزایش یافت. هواپیماهای آمریکایی به طور معمول اهدافی را در شهرهای پرجمعیت عراق هدف قرار می دادند. برخی از نیروهای آمریکایی مانند **مزدوران بلک واتر** که برای ارتش ایالات متحده کار می کردند، قتل عام کردند. در طول جنگ داخلی {2006-2007} که پس از اشغال کشور توسط آمریکا برخاسته بود، پلیس بغداد مجبور بود یک گشت منظم اجساد (گزمه زنی غرض جمع اوری مرده ها یا اجساد) ایجاد کند که در ابتدای هر روز کاری برای بارگیری گاری هایی با اجساد انسان هایی که یک شبه توسط فرقه ای رقیب در خیابان ها پرتاب می شد، اعزام می شد.

شبه نظامیان در سال های درست پس از **حمله بوش**، یک بیوه عراقی از شهر بندری بصره در جنوب بصره به من گفت که خانواده اش به سختی از حمله اعضای یک قبیله فقیر و آواره عرب مارش خودداری کردند و سپس یک راکت حفاظتی در شهر داشتند. فرار خانواده تمام پول نقدی را که در دست داشتند به قیمت تمام شد و آنها را ملزم کردند تا برای افراد قبیله جشنی تهیه کنند. مرد خانواده که مصمم به تلاش برای بهبود وضعیت بود، برای منا صب دولتی نامزد شد. یک روز، او تازه سوار ماشینش شده بود تا به مبارزات انتخاباتی برود که ناگهان یک مهاجم نقابدار ظاهر شد و به سرش شلیک کرد. بیوه اشک آلود او به من گفت که هرگز نمی تواند از این منظره عبور کند و چنین اتفاقاتی در آن زمان غیر معمول نبود.

در زمانی که دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، فرقه تروریستی برخاسته از اشغال این کشور توسط ایالات متحده، سرانجام در سال 2019 شکست خورد، پروژه هزینه های جنگ دانشگاه **براون** تخمین می زند که حدود 300000 عراقی کشته شده اند. از خشونت های مستقیم مرتبط با جنگ

ناشی از ایالات متحده، متحدانش، ارتش و پلیس عراق و نیروهای مخالف». چندین بار این تعداد مجروح یا فلج شدند. صدها هزار بیوه نان آور خانواده خود را از دست دادند و برخی از آنها تا پایان عمر به عنوان گدا کاهش یافتند. حتی تعداد بیشتری از کودکان یک یا هر دو والدین خود را از دست دادند. و به خاطر داشته باشید که این ارقام شامل عراقی‌هایی نمی‌شود که به دلایل غیرمستقیم اما مرتبط با جنگ، مانند اختلال در تامین آب آشامیدنی و برق به دلیل بمباران‌های ایالات متحده و آسیب به زیرساخت‌های کشور جان خود را از دست داده‌اند.

نمونه یا مثال از پیامدهای آمریکایی در عراق

در مرحله اول جنگ، در سال‌های بوش، چهار میلیون عراقی آواره شدند، حدود 1.5 میلیون نفر از کشور خارج شدند و بقیه در داخل کشور بسیار بی‌سازمانی هرگز نتوانستند به خانه برگردند. یک روز عصر در تابستان 2008، هنگام مصاحبه با پناهندگان عراقی در امان، اردن، با یک زوج حرفه‌ای، یک معمار و یک پزشک شام خوردم. من اشاره کردم که به نظر می‌رسد بدترین جنگ داخلی تمام شده است و پرسیدم که آیا آنها قصد بازگشت به بغداد را دارند یا خیر. آن مرد سنی و همسرش شیعه بود. او توضیح داد که خانه آنها در یک منطقه شیعه نشین بوده است و از آنجایی که بسیاری از محله‌ها از فرقه رقیب پاکسازی شده بودند، بیمی به بازگشتند داشتند.

مرد دیگری - که او را "مصطفی" می‌نامیدند - در آن زمان در محله‌های فقیرنشین شرق عمان در تبعید بود. اعضای خانواده عراقی سنی او که از مجوز کار محروم بودند، با پس‌انداز رو به کاهش خود زندگی می‌کردند. همسرش برای گذراندن زندگی به فکر خیاطی بود. مصطفی توضیح داد که پاکت نامه‌ای را در صندوق پستی آپارتمان قدیمی خود در بغداد از یک شبه نظامی شیعه ستیزه‌جو دریافت کرده و گفته است که اگر او و خانواده‌اش تا (24) ساعت دیگر آنجا باشند، آنها کشته خواهند شد؛ بنا براین، او و همسرش فوراً هر چیزی را که می‌توانستند در ماشین‌شان گذاشتند، بچه‌ها را بیدار کردند و 9 ساعت را تا عمان رانندگی کردند. مصطفی تردید کرد به اطراف نگاه کرد و صدایش را پنهان آورد. او گفت که حتی در اردن نام‌های تهدیدآمیز دریافت کرده و به آپارتمان دیگری نقل مکان کرده است. شبه نظامیان هنوز به او چشم دوخته بودند و احتمالاً در جامعه مهاجر عراقی نفوذ کرده بودند بنابراین، نه، او و همسرش نتوانستند، او به من اطمینان داد که به خانه خود به بغداد نخواهند بروند.

در زمان آمریکایی‌ها امنیت برای کسی وجود نداشت. بوده پیش، منصوبان بوش ارتش قدیمی عراق را منحل کردند و نتوانستند ارتش جدید مؤثری را آموزش دهند یا پلیس حرفه‌ای را تشکیل دهند. من در ماه مه 2013، در جریان دوره بین‌الملل بین دو لشکرکشی آمریکا به عراق، برای شرکت در یک کنفرانس بین‌المللی از بغداد بازدید کردم. میزبانان مهربان عراقی ما را به موزه ملی بردند و به رستوران‌های زیبا رفتیم. اما برای انجام این کار، مجبور شدیم داخل وانت‌های سفید رنگی که توسط خودروهای ارتش عراق محاصره شده بودند، جمع کنیم، که تمام ترافیک‌های دیگر را از سر راه خارج می‌کرد و تضمین می‌کرد که کاروان ما هرگز متوقف نشود و هدف قرار نگیرد.

یک کمین جنگ‌تهاجمی فاجعه‌آمیز بوش هدیه‌ای بود که فقط به دادن ادامه می‌دهد. اختلال در جامعه و دولت عراق توسط آن‌ها جم، در نهایت راه را برای داعش هموار کرد تا 40 درصد از خاک آن کشور را در سال 2014 تصرف کند. شش میلیون عراقی از دست فرقه‌گران وحشی گریختند و یک میلیون و نیم از آنها هنوز آواره هستند. برخی از آنها به ترکیه گریختند، جایی که زندگی آنها اخیراً توسط زمین لرزه‌های فوریه 2023 ویران شد.

امروز، دارایی و خزانه دولت عراق خالی است، اگرچه این کشور از سال (2003 باید 500) میلیارد دلار درآمد نفتی کسب می کرد. اما در این کشور فساد و ناکا رآمدی به نشانه نظم جدید تبدیل شده است. دولت بی ثباتی که توسط ایالات متحده نصب شد، تحت سلطه احزاب مذهبی شیعه، از سال 2018 تاکنون سه نخست وزیر را یکی بعد از دیگری پشت سر گذاشته است. او روشنفکران طرفدار جنگ را مثال زد که اصرار داشتند که سیاست جناح راست آنها در مورد کشوری که در واقع چیزی از آن نمی دانستند، قضاوت برتری به آنها می دهد.

در خود عراق در سال های اخیر، جمعیت جوان بارها به خیابان ها رفته و خواستار ارائه خدمات اولیه از سوی دولت شده اند. **محمد شیعه السوداني**، نخست وزیر کنونی، نزدیک به شبه نظامیان مورد حمایت ایران است که اکنون نقش بزرگی در سیاست عراق ایفا می کنند. اگر کسی در جنگ عراق پیروز شود، در واقع آن ایران خواهد بود.

اقتصاد دانان تخمین زده بودند که هزینه جنگ عراق برای ایالات متحده، زمانی که بغرض مراقبت از جانبازان مجروح را تا پایان عمر مطرح نظر قرار دادند اضافه کردند، حتی قبل که از مبارزات داعش در سال های 2014-2019 به 6 تریلیون دلار رسیده بود. بدون مبالغه در رفته در عراق، بدهی ملی ما هنوز کمتر از تولید ناخالص ملی سالانه ما خواهد بود و ما را در موقعیت اقتصادی بسیار مطلوب تری در سال 2023 قرار می دهد. همانطور که در روسیه امروزی، در صفرهای این قرن، ذهنیت جنگی باعث ایجاد عدم تحمل شدیدی شد. اختلاف نظر و اختلاف در سمت راست که هنوز در حال آشکار شدن است.

یکی از شعارهای امروز دولت ایالات متحده در مواجهه با تهاجم وحشیانه روسیه به اوکراین، حمایت از «منشور ملل متحد» و «نظم بین المللی مبتنی بر قوانین» است. این البته در تضاد با چیزی است که واشنگتن اکنون آن را قانون شکن واقعی بین المللی در سیاره زمین، یعنی فدراسیون روسیه **پوتین** می داند. با اقتصاد روسیه مانند اقتصاد ایران رفتار می شود و تحت تحریم ها و تحریم های بی امان قرار گرفته است. یک قطعنامه سنا با حمایت **سنا تور لیند سی گراهام (R-SC)** از دادگاه کیفری بین المللی، که ایالات متحده حتی صلاحیت آن را به رسمیت نمی شناسد، خواست تا مقامات روسی را به اتهام جنایات جنگی محاکمه کند.

گراهام یکی از تشویق کنندگان اصلی جنگ عراق به همان اندازه غیرقانونی بود. ریاکاری در چنین مقیاسی برای کشوری که هنوز به دنبال قدرت جهانی در این سیاره است، به سختی قابل توجه است. با نگاهی به گذشته، در بیستمین سالگرد تصمیم کابوس آمیز برای حمله به عراق، ما بیش از اعتبار خود در جنوب جهانی یا تعهد واقعی خود به قوانین بین المللی را از دست داده ایم. ما به عنوان یک کشور، قطب نمای اخلاق خود را نیز از دست داده ایم و اکنون در میان جنایات روسیه در اوکراین، به نظر می رسد که ما نیز تمام حافظه مان را از مسیری که هموار کردیم و نمونه ای که در عراق نشان دادیم و جنایاتی که همراه آن بود، از دست داده ایم.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

خوان کول: خوان کول تاریخ خاورمیانه و جنوب آسیا را در دانشگاه میشیگان تدریس می کند. جدیدترین کتاب او با عنوان «محمد: پیامبر صلح در میان برخورد امپراتوری ها» در سال 2020 منتشر شد. او همچنین نویسنده «عرب های جدید: نسل هزاره چگونه

خاورمیانه را تغییر می دهد» (2015) و «مصر ناپلئون : حمله به خاورمیانه (2008)»
او به طور گسترده در تلویزیون، رادیو، و در صفحات اپدیت به عنوان مفسر در امور
خاورمیانه ظاهر شده است و یک ستون ثابت در Salon.com دارد. او 14 کتاب نوشته،
ویرایش یا ترجمه کرده و 60 مقاله در مجلات تألیف کرده است.

===== **با تقدیم احترامات** «2023-03-11»